

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

پایان‌نامه برای اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی فلسفه‌ی غرب

عنوان:

هستی‌شناسی در فلسفه‌ی ژیل دُلوز

استاد راهنما:

دکتر علی نقی باقرشاهی

استاد مشاور:

دکتر علی فتح ملاحری

نگارش:

زهرا ملایی

زمستان ۱۳۸۸

بسمه تعالی

دانشگاه بین المللی امام خمینی



دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)
معاونت آموزشی دانشگاه - مدیریت تحصیلات تکمیلی
(فرم شماره ۲۶)

تعهد نامه اصالت پایان نامه

اینجانب زهرا سید دانشجوی رشته فلسفه غرب مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد ...
بدین وسیله اصالت کلیه مطالب موجود در مباحث مطروحه در پایان نامه انگیز تحصیلی خود، با
عنوان هسته‌های درونی در فلسفه دین ... را تأیید
کرده، اعلام می‌نمایم که تمامی محتوی آن حاصل مطالعه، پژوهش و تدوین خودم بوده و به
هیچ وجه رونویسی از پایان نامه و یا هیچ اثر یا منبع دیگری، اعم از داخلی، خارجی و یا بین
المللی، نبوده و تعهد می‌نمایم در صورت اثبات عدم اصالت آن و یا احراز عدم صحت مفاد و یا
لوازم این تعهد نامه در هر مرحله از مراحل منتهی به فارغ التحصیلی و یا پس از آن و یا تحصیل
در مقاطع دیگر و یا اشتغال و ... دانشگاه حق دارد ضمن رد پایان نامه نسبت به لغو و ابطال
مدرک تحصیلی مربوطه اقدام نماید. مضافاً اینکه کلیه مسئولیت‌ها و پیامدهای قانونی و یا
خسارت وارده از هر حیث متوجه اینجانب می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو

امضاء و تاریخ

تاریخ

(Handwritten signature and date)



جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد خانم زهره ملایی دانشجوی رشته فلسفه با عنوان " هستی شناسی در فلسفه ژیل دلوز " در تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۵ در اتاق ۸۵۶ دانشکده ادبیات و علوم انسانی برگزار گردید و مورد تأیید هیات داوران قرار گرفت.

اعضای هیأت داوران:

استاد راهنما: دکتر علی نقی باقر شاهی

استاد مشاور: دکتر علی فتح طاهری

داور خارجی: دکتر بیژن عبدالکریمی

داور داخلی: دکتر عبدالرزاق حسامی فر

نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر محمد حسن حیدری

به همراه همیشه و همپای اندیشه‌ام،

همسرم،

سید مرتضی تقوی.

چکیده:

با وجود آنکه دوره ی معاصر، با تصور مرگ مابعدالطبیعه و به معنای هستی‌شناسی توأم بوده است، اما دلوز هستی‌شناسی را پایان یافته قلمداد نمی‌کند. او حتی فلسفه را با هستی‌شناسی آمیخته می‌داند و توجه خود را به هستی‌شناسی در اغلب آثار خود، آشکار می‌کند. دلوز هستی‌شناسی را به معنایی نو، حیات می‌بخشد: هستی‌ای که پیوسته در کار شدن و تفاوت سازی و از این رو هستی‌ای متفاوت از هستی جامد و سنتی است. هدف از این پژوهش، کند و کاوی در اندیشه‌های هستی‌شناختی دلوز و ارایه ی تصویری از هستی‌شناسی اوست. برای دست یابی به این منظور، به بررسی مفاهیم کلیدی اندیشه ی دلوز و پیوند های میان این مفاهیم، پرداخته شده است. نتیجه‌ی این مطالعات، آن بود که مفاهیم‌های ویرچوآلیتی و اکچوآلیتی، به عنوان عناصر توأمان واقعیت، هسته‌ی هستی‌شناسی دلوز را تشکیل داده اند؛ به گونه ای که ارتباط این دو مفهوم را می‌توان به روشنی با سایر مفاهیم برجسته‌ی اندیشه‌ی او مشاهده کرد. روش کار این رساله، از روش خود دلوز، یعنی مطالعه ی اندیشه‌ها و مفاهیم در آینه ی سایر اندیشه‌ها و مفاهیم و بررسی پیوند میان آنها، الهام گرفته شده است.

واژگان کلیدی: ژیل دلوز، هستی‌شناسی، ویرچوآلیتی، اکچوآلیتی.

واژگان مرتبط: تفاوت، تکرار، شدن، کثرت، دیرند، حلول، تصدیق، تا، پیوند.

تقدیر و تشکر

شایسته می‌دانم که به رسم معمول، مراتب قدردانی و سپاس خود را از اساتید و اندیشمندان عزیزی که راهنمای راه شدند و چراغ نگاه، اعلام کنم. جناب آقای دکتر باقرشاهی، استاد راهنما، جناب آقای دکتر فتح طاهری، استاد مشاور، جناب آقای دکتر حسامی‌فر، مدیر گروه و سایر بزرگواران گروه فلسفه‌ی غرب دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) که هر یک به طریقی یاری ام کردند.

همچنین، از آقایان پروفسور کنستانتین و. بانداس، پروفسور برایان معصومی، تود می و دنیل اسمیت که از طریق مکاتبات الکترونیک، صمیمانه اطلاعات بسیار راه‌گشایی در اختیارم قرار دادند، کمال تشکر را دارم؛ هر چند که رساله نتوانسته باشد، انعکاس شایسته‌ای از اندیشه‌های آنان ارائه کند.

در پایان از آنها که از آغاز، در وادی اندیشه حامی‌ام بودند، پدر و مادر عزیز و گرانقدرم، نهایت سپاس را دارم. با این امید که رساله‌ی حاضر، اگر نه فخری و عزّی برای آنان، دست‌کم نشانه‌ای از قدرشناسی و قدردانی باشد.

زهرة ملایی

زمستان ۱۳۸۶

- DR.2** *Difference & Repetition.*
- LOS.2** *Logic of Sense.*
- DI. 2** *Dialogues.*
- CI.2** *Cine'ma I: The Movement-Image.*
- CII.2** *Cine'ma II: The Time-Image.*
- FO.2** *The Fold: Leibniz & the Baroque.*
- NPH** *Nietzsche & Philosophy.*
- K.2** *Kafka: For a Minor Literature.*
- WPH.2** *What Is Philosophy?*
- FOU.2** *Foucault.*

یادداشت: برای مشاهده‌ی مشخصات کامل منابع فوق‌نک: فهرست منابع اولیه، در انتهای رساله. عدد

۲ در کنار علائم اختصاری نشانه‌ی آن است که از متن ترجمه شده و انگلیسی استفاده شده و در سایر

موارد از منابع اصلی بهره گرفته شده است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه.....
۱.....	۱- پیشینه.....
۴.....	۲- در اهمیت بحث.....
۴.....	۳- در باب روش.....
۵.....	۴- ساختار رساله.....
۷.....	پی نوشت‌ها.....
۹.....	بهره‌ی نخست: زندگی و آثار ژیل دلوز.....
۱۰.....	زندگی و آثار ژیل دلوز.....
۱۲.....	پی نوشت‌ها.....
۱۳.....	بهره‌ی دوم: سرچشمه‌های اندیشه‌ی دلوز.....
۱۴.....	مقدمه.....
۱۵.....	۱- دانس اسکوتس.....
۱۵.....	۲- رواقیون.....
۱۶.....	۳- مارسل پروست.....
۱۷.....	۴- فرانتس کافکا.....
۱۸.....	۵- سارتر.....
۱۸.....	۶- برگسون.....
۲۲.....	۷- اسپینوزا.....
۲۵.....	۸- نیچه.....
۲۶.....	نیچه و فلسفه.....
۲۸.....	نتیجه‌گیری.....

۲۹	پی‌نوشت‌ها
۳۳	بهره‌ی سوم : هستی
۳۴	مقدمه
۳۴	درآمدی بر هستی‌شناسی
۳۴	هستی‌شناسی چیست؟
۳۶	پرسش هستی از نگاه دُلوز
۳۸	مبانی هستی‌شناسی دُلوز:
۴۰	۱- مفهوم
۴۱	۲- هستی به مثابه‌ی یک فرآیند
۴۲	۳- تشکیک هستی
۴۲	۴- سطح حلول
۴۳	۵- طبیعت‌گرایی
۴۴	۶- تجربه‌گرایی استعلایی
۴۵	۷- نیستی
۴۷	۸- تفاوت و تکرار
۴۸	۹- اُرِیگامی
۴۹	۱۰- حساب دیفرانسیل
۵۰	۱۱- وضعیت
۵۰	۱۲- گربه‌ی شرودینگر
۵۳	۱۳- فلسفه‌ی نانسانی
۵۳	۱۴- نوار موبیوس
۵۵	۱۵- باروک
۵۶	۱۶- مرگ مؤلف
۵۶	۱۷- ویرچوآلیتی

۶۲	۱۸- نظریه ی آشوب.....
۶۴	۱۹- فرکتال.....
۶۴	۲۰ تا.....
۶۶	نتیجه گیری.....
۶۷	پی نوشتها.....
۷۲	نتیجه گیری کلی رساله:
۷۴	پی نوشتها.....
۷۵	پیوستها:
۷۷	۱- "افلاطون گرایی وارونه"، نوشته ی اسلاوی ژیتک.....
۹۹	پی نوشتها.....
۱۰۴	۲- "لایب نیتس از دید دلوز"، نوشته ی: دن اسمیت.....
۱۱۲	پی نوشتها.....
۱۱۳	تصاویر :
۱۱۳	۱- ژیل دلوز.....
۱۱۳	۲- نمونه ای از آریگامی.....
۱۱۴	۳- گربه ی شرودینگر.....
۱۱۴	۴- نوار موبیوس.....
۱۱۵	۵- نمونه ای از یک فرکتال.....
۱۱۶	۶- عروسک مندلبرات.....
۱۱۷	منابع و اختصارات
۱۱۹	کتاب شناسی فارسی.....
۱۲۰	کتاب شناسی فرانسه و انگلیسی.....
۱۳۰	چکیده ی انگلیسی.....

لوح فشرده ی تصاویر

مقدمه

شاید در ابتدای رساله، پاسخ‌گویی به برخی پرسش‌ها ضروری باشد؛ سؤال‌هایی چون: علت‌گزینش ژیل دلوز از میان متفکران متعدد معاصر برای مطالعه در این رساله چیست؟ یا از چه روی به رگم تعدد و تنوع چشم‌گیر مباحث، موضوعات و گفتمان‌های قابل بررسی در اندیشه‌ی وی، تنها بر هستی‌شناسی تمرکز شده است؟ چرا دوره‌ی متقدم^۱ دلوز در این رساله پررنگ‌تر از دوره‌ی متأخر به نظر می‌رسد؟ روش کار در این رساله چگونه است؟ و ...

در این بخش تا آنجا که ممکن باشد، به این پرسش‌ها پرداخته خواهد شد.

۱. پیشینه

"روزی شاید قرن ما، قرن دلوز باشد"^۲

میشل فوکو

میشل فوکو، رولان بارت^۳ و ژان فرانسوا لیوتار^۴، از جمله متفکران بنام فرانسوی هستند که تحت تأثیر اندیشه‌ی ژیل دلوز قرار گرفته‌اند. تأثیر دلوز به نحوی بود که دهه‌ی هفتاد فرانسه، دهه‌ی دلوز لقب گرفت؛ فوکو پیش‌بینی کرد که دلوز اندیشه‌ی معاصر را از آن خود سازد و امروز در بسیاری از دانشگاه‌ها و محافل فکری جهان، گرایش به مطالعات دلوز بیش از پیش، احساس می‌شود. حجم قابل توجه کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها و سمینارهای مرتبط به این پژوهش‌ها را، می‌توان شاهدی بر اقبال تازه‌ی متفکران به اندیشه‌ی وی به شمار آورد.

گویا ورق برمی‌گردد و دلوز که در اغلب محافل غیرفرانسوی شهرتی کمتر از پیروان و شاگردانش یافته بود، مورد توجه قرار می‌گیرد، به طوری که کتابهای متعددی به ویژه در زمینه‌ی مفاهیم کلیدی او مانند تفاوت، ماشین، ویرچوآلیتی و نظریات سیاسی منتشر می‌شوند. امروز تفکر دلوز نه تنها برای فلاسفه و نظریه‌پردازان سیاسی بلکه برای اصحاب اندیشه در بسیاری از حوزه‌های گوناگون، قابل تعمق و ارزش‌مند محسوب می‌شود.

تنوع گفتمان‌های مورد بحث دلوز از معماری، سینما، تئاتر، موسیقی، نقاشی و طراحی گرفته تا ریاضیات، دیفرانسیل، فیزیک کوانتوم، نظریات سیاسی، اجتماعی و روانکاوی، خود انگیزه‌ای برای جلب نظر اندیشمندان دیگر حوزه‌های فکری و جذب آنها به سوی آثار دلوز به شمار می‌رود، به نحوی که آثار او به یکی از پرخواننده‌ترین آثار هم‌ردیف خود تبدیل شده است.

به اعتقاد تود می^۵، پس از شور و هیجانی که کتاب *ضد/اودیپ*^۶ (۱۹۷۲)، در فرانسه به پا کرد، این کتاب در کشورهای متعدد، ترجمه شد. *ضد/اودیپ* نخستین اثری بود که در این کشورها از دلوز منتشر می‌شد. *این کتاب*، به طور مشترک و با همکاری فلیس گتاری^۷، در دوره‌ی متأخر اندیشه‌ی دلوز به رشته‌ی تحریر درآمده است. از این رو قضاوت اولیه درباره‌ی دلوز بر مبنای این اثر شکل گرفت و از او فیلسوفی سیاسی ساخت که *ضد/اودیپ* را با الهام از رویدادهای مه (۱۹۶۸) فرانسه نوشته است. در آن دوره، *ضد/اودیپ* نمادی از اندیشه‌ی دلوز به شمار می‌رفت.^۸

این در حالی است که بسیاری از مفسران، دوره‌ی متقدم اندیشه‌ی دلوز را اگر چه نه دوره‌ای گسسته و کاملاً متمایز، ولی دوره‌ای متفاوت از دوره‌ی متأخر و آغاز همکاری با فلیس گتاری می‌دانند و عده‌ای هم، بر این باورند که دلوز حقیقی و اندیشه‌ی ناب او را باید در آثار دوره‌ی متقدم، جست‌وجو کرد.^۹ از این رو شاید چهره‌ی اولیه‌ی دلوز چهره‌ای متفاوت باشد که با ترجمه‌ی دیگر آثار او در سال‌های بعد و آشنایی با تفکر دوره‌ی متقدم، رنگ و بویی تازه به خود گرفته است؛ به گونه‌ای که تمرکز از نظریات سیاسی او گرفته شده و به نظریات هستی‌شناختی وی، معطوف شده است.

ناشناخته ماندن دلوز در ایران، ترجمه‌ی اندک^{۱۰} از آثار وی و عدم وجود مرجع جامع و مناسب در این زمینه نگارنده را برآن داشت تا با توجه به اهمیتی که نظریات هستی‌شناسی او، در محافل فکری روز یافته است به کاوش در اندیشه‌های هستی‌شناسی او بپردازد. باشد که راهی برای مطالعات بیشتر و ژرف‌تر و گام‌های بلندتر بعدی مهیا سازد.

با توجه به آنچه گفته شد، دوره‌ی متقدم، برای بررسی نظریات هستی‌شناختی دلوز انتخاب شد، هرچند آثار دوره‌ی متأخر نیز خالی از نظریات هستی‌شناختی نباشند و خط مرز مشخصی برای جداسازی این دو دوره وجود نداشته باشد. به جهت گستردگی منابع اصلی و نیز تراکم قابل توجه موضوعات مرتبط به رساله در دوره‌ی متقدم و نیز رایزنی با برخی مفسران روز دلوز تصمیم بر آن شد که حوزه‌ی پژوهش حتی الامکان به دوره‌ی متقدم محدود و تنها در مواقع ضرورت، به دوره‌ی متأخر رجوع شود.

از جمله مهم‌ترین آثاری که آکنده از نظریات هستی‌شناختی دلوز هستند، می‌توان به تفاوت و تکرار^{۱۱} و منطق معنا^{۱۲} اشاره کرد؛ در نتیجه، این دو اثر جزء مهم‌ترین منابع مطالعه خواهند بود. با این همه در تمام آثار دلوز می‌توان رگه‌های متعددی از نظریات هستی‌شناختی و پیوندهای مرتبط با آن را مشاهده کرد. از همین رو به هنگام لزوم از سایر منابع، بهره گرفته شده است. با در نظر داشتن اهمیت منابع اصلی و دست اول، تا آنجا که منابع زبان اصلی (زبان فرانسه) در دسترس بود، تلاش شد تا با توجه به متن فرانسه و مقایسه و تطبیق با ترجمه‌های انگلیسی موجود و مراجعه به واژه‌نامه‌های مربوط به فلسفه‌ی دلوز و تفاسیر متعدد، بهترین معانی ممکن استخراج شود و تا حد ممکن از بدفهمی پرهیز شود.

اما در مواردی که امکان دستیابی به منابع اصلی فرانسوی فراهم نبود، از ترجمه‌های انگلیسی استفاده شده که در بخش پی‌نوشت‌ها و اختصارات، ارجاعات منابع اصلی و ترجمه‌های انگلیسی از هم تفکیک شده‌اند.

۲. در اهمیت بحث

اهمیت بررسی هستی‌شناسی از نگاه دلوز آنگاه روشن می‌شود که بدانیم خود او در منطق معنا می‌گوید: "فلسفه با هستی‌شناسی، یکی است وهستی‌شناسی با تشکیک هستی."^{۱۳} از نظر دلوز فلسفه یعنی هستی‌شناسی و به عقیده‌ی کنستانتین بانداس^{۱۴} با تکیه به این مسأله، می‌توان دلوز را یکی از تنها دو فیلسوف در میان فلاسفه‌ی پساساخت‌گرا، به شمار آورد که مخالفتی با هستی‌شناسی و مابعدالطبیعه ندارد.^{۱۵} بدون شک، هستی‌شناسی دلوز که برخی آن را نگرشی نو و خارج از رویکردهای سنتی و حتی خارج از تقسیم‌بندی‌های معمول دانسته‌اند، ارزش خاصی خواهد داشت.

۳. در باب روش

اما روش مناسب برای این مطالعه چگونه روشی است و آیا اصولاً چنین فلسفه‌ای هیچ گونه روشی را بر می‌تابد؟ دلوز را باید در یک فرآیند شناخت. شناخت اندیشه‌ی او از خلال انبوه کتب، مقالات، نوشتجات هنری، سینمایی، ادبی، علمی، سیاسی و استعارات، تشبیهات، ابهام‌ها و ایهام‌ها کار چندان ساده‌ای نیست. از نظر دلوز خوانش یک فیلسوف، مستلزم فرا رفتن از واژگان ابداعی آن فیلسوف و نفوذ به منطق تولید این واژگان است، منطقی که روابط یا معنای متن از آن برمی‌خیزند. نگاهی که خود او به فلاسفه‌ی دیگر دارد، نگاهی ابتکاری و نو است؛ چنانچه در ادامه خواهیم دید نگاه او به نیچه، لایب‌نیتس، اسپینوزا و کانت نگاهی بدیع و خلاق است و اصولاً نگاه او به تاریخ فلسفه نیز نگاهی خلاق است. نگاهی ریزوموار^{۱۶}، افقی^{۱۷} و نه عمودی و سلسله‌مراتبی^{۱۸}. فلسفه برای او به معنای خلق مفاهیم نو^{۱۹} است و او در آثار اسلاف خود به دنبال مفاهیم نو می‌گردد و لذا در پی تکرار تاریخ فلسفه و مفاهیم سابق نیست. دلوز نمونه‌ای است از آنچه نیچه درباره‌ی فلاسفه می‌گوید. او به جای آنکه کارگر فلسفه باشد سعی دارد فیلسوف بودن خود را به رخ بکشد.^{۲۰}

از این رو روشی که در این رساله برای مطالعه‌ی آراء دلوز اتخاذ شده، روشی بر مبنای

پیوندهاست^{۲۱}؛ روشی که نه بر مبنای نقاط، بلکه روشی بر مبنای خطوط و ارتباطات و در حد ممکن کشف مفاهیم تازه خواهد بود، لذا ضمن بررسی اجمالی پرسش اساسی هستی از دید دلوز به دنبال پیوندهای این پرسش با پاسخ‌های متعدد در حوزه‌ی گفتمان‌های گوناگون خواهیم بود. تعداد پیوندهای میان نقاط محدود، نامحدود خواهد بود. پس ناگزیر به ارایه‌ی تعدادی از این پیوندها یا تعدادی از این پاسخ‌ها، اکتفا می‌کنیم؛ چرا که مطالعه‌ی اندیشمندِ شدن^{۲۲} که گویی اندیشه‌ی او نیز به طور پیوسته در حال شدن و دگرگونی است، با ارایه‌ی چند حکم قطعی و نهایی، هرگز عملی نخواهد بود. به هر روی، بر همین مبنا مفاهیمی در متن به طور مکرر خواهد آمد و هر بار تلاش می‌شود این مفاهیم کلیدی در ارتباط با وضعیت‌ها^{۲۳} و بافت‌های^{۲۴} متفاوت مطرح گردد، تکراری که در اصل مؤید تکرار تفاوت خواهد بود. به همین سیاق در مبحث هستی‌شناسی، مفاهیم و پیوند‌هایی نو از سوی نگارنده پیشنهاد خواهد شد.

۴. ساختار رساله

در نهایت آنچه پیش رو دارید، رساله‌ای در باب هستی‌شناسی دلوز است که در سه بهره‌ارایه می‌شود: بهره‌ی نخست به مروری اجمالی بر زندگی و آثار اصلی ژیل دلوز می‌پردازد. منابع چندانی درباره‌ی زندگی دلوز در دست نبود و آنچه بود، تکرار مکررات به نظر می‌رسید، از این رو بهره‌ی نخست با مطالعه‌ی منابع موثق موجود و کنار هم چیدن مطالب آنها، شکل گرفت. اشاره‌ای مختصر به برخی آثار دلوز، بخش دیگر این گفتار را تشکیل می‌دهد. (فهرست کامل آثار، در بخش‌نهایی رساله خواهد آمد.) بهره‌ی دوم به بررسی سرچشمه‌های اندیشه‌ی دلوز، اختصاص یافته است. در این بخش نگارنده برآن است تا با تلاش برای شناخت ریشه‌های فکری دلوز تا جای ممکن به روشن ساختن اندیشه‌ی خود او بپردازد. برهمین اساس به اندیشه‌ی اندیشمندانی چون آنری برگسون^{۲۵}، نیچه، اسپینوزا، لایبنیتس و افرادی که دلوز به روشنی از آنان متأثر شده است، پرداخته خواهد شد.

دو بهره‌ی نخست، نقش مقدمه و پیش‌زمینه را برای بدنه‌ی اصلی رساله و پرسش کلیدی آن، ایفا

می‌کنند؛ یعنی برای آنچه در بهره‌ی سوم خواهد آمد.

در بهره‌ی پایانی محوریت با مفهوم هستی است. پیشینه‌ی هستی‌شناسی، انواع هستی‌شناسی، هستی‌شناسی از نگاه دلوز و البته مفاهیم و مبانی اساسی این نوع هستی‌شناسی (اگر اصولاً چنین هستی‌شناسی‌ای در کار باشد). کلر کلبروک^{۲۶}، پر بیراه نمی‌گوید: "دلوزگرایی تکرار آنچه دلوز گفته نیست، بلکه نگرستن به ادبیات او به مثابه‌ی امری مولد شیوه‌های جدید گفتن و دیدن است"^{۲۷}. کسی چه می‌داند شاید چنانکه در مطالعه‌ی آثار ادبا و نویسندگان، رسم است، باید از او فاصله گرفت فاصله‌ای زمانی که ما را از دورانی که او نیز به نوعی در آن غوطه‌ور بود، دور کند تا دیدی بهتر و قضاوتی شایسته‌تر و یا شاید، متفاوت‌تر، نصیبمان کند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. مراد از دوره‌ی متقدم، دوره‌ی پیش از آشنایی و همکاری با گتاری است.

2. *Theatrum Philosophicum*. Paris. p.165.

3. *Roland Barthes*

۴. Jean-François Lyotard (1924-1998): فیلسوف فرانسوی و نظریه پرداز پست مدرنیسم.

۵. Todd May: فیلسوف سیاسی معاصر و استاد دانشگاه Clemson، واقع در کارولینای جنوبی و دلوژشناس است که شهرت او بیشتر به سبب ارایه‌ی نظریه‌ی آنارشیشم پاسا ساخت گراست. او آثار متعددی در زمینه‌ی دلوژ و فوکو به چاپ رسانده است.

6. *L'anti Oedipe: Capitalisme et schizophrénie*.

۷. Pierre-Félix Guattari (۱۹۳۰-۱۹۹۲) فیلسوف و روان‌کاو معاصر فرانسوی که عمده‌ی شهرت خود را وامدار همکاری‌اش با دلوژ و به ویژه نگارش ضد/اودیپ و هزار فلات است.

8. May, Todd. "The Ontology & Politics of Gilles Deleuze" , *Theory & Event*. Vol. 5, 2001. pp. 3.

۹. برای نمونه از میان مفسرانی که با آنان مکاتبه شد، تود می به شدت بر استقلال دو دوره تأکید ورزید و شیوه‌ی مناسب مطالعه در خصوص هستی‌شناسی دلوژ را تمرکز بر دوره‌ی متقدم دانست. حال آنکه کسانی چون بانداس و معصومی جداسازی این دو دوره را چندان موجه نمی‌دیدند.

۱۰. نک: کتاب شناسی فارسی، در انتهای رساله.

11. *Différence et répétition*.

12. *Logique du sens*.

13. *LOS*. 2. p.179

۱۴. Constatntin. V. Boundas. پروفیسور بانداس، فارغ‌التحصیل حقوق والهیات از دانشگاه آتن و رشته‌ی فلسفه از دانشگاه ایندیانا و پردو است، او اکنون استاد ممتاز دانشگاه Trent انتاریوی کانادا است و پیش از این در دانشگاه‌های یورک و فرانسه هم تدریس داشته است. او یکی از نخستین مترجمان و مفسران دلوژ در آمریکای شمالی محسوب می‌شود و تاکنون آثار متعددی در این زمینه نگاشته است.

15. *DD*. p.191

16. *Rhizomatic*

ریزوم مفهومی است که دلوز/گتاری آن را در تقابل با ساختارهای عمودی و سلسله‌مراتبی مطرح می‌کنند، این اصطلاح زیست‌شناختی به ریشه‌هایی اشاره دارد که بر خلاف اغلب ریشه‌ها رشدی متکثر، بینا‌بین و در جهات گوناگون دارد و پیش از این یونگ آن را به معنایی استعاری به کار گرفته بود. (نک: لوح فشرده‌ی پیوست)

17.Horizontal.

18.Vertical/Hierarchical.

19.Creation of New Concepts.

۲۰. او به تعدادی از فلاسفه من جمله کانت لقب کارگر فلسفه می‌دهد.

21. Connections.

۲۲. Devenir در زبان فرانسه و معادل **Becoming** در زبان انگلیسی.

۲۳. Situations: نک: بهره‌ی سوم.

24.Contexts

۲۵. لازم به ذکر است که حرف *اچ* انگلیسی در فرانسه حرفی اصطلاحاً گنگ و فاقد صدای "ه" می‌باشد و غالباً نقش الف را ایفا می‌کند. در زبان فرانسه به جز مواردی معدود و استثنا صدای "ه" نداریم. لذا هانری تلفظ صحیحی نخواهد بود.

26. Claire Colebrook.

۲۷. *تریل دولوز*. ص. ۲۴۰.